

مقدمه

© گرچه ایده اولیه تأسیس بانک‌های اسلامی به حدود صد سال پیش برمی‌گردد اما تأسیس بانک‌های اسلامی در خاورمیانه را در دهه ۱۹۷۰ با بانک اسلامی دبی (۱۹۷۵)، فیصل سودان (۱۹۷۷)، اسلمی بحرین (۱۹۷۹) شاهد بودیم. طراحان نخستین بانک‌های اسلامی مانند شهید صدر و نجات‌الله صدیقی فقط به شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع اشاره کردند و بحث نظارت‌های مستمر بر اسلامی ماندن این‌گونه بانک‌ها را در عمل و گسترش فعالیت آن‌ها با ابزارهای جدید را مورد توجه قرار ندادند. در اواخر دهه پیش بحث‌هایی از ضرورت تشکیل کمیته شریعت به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین بانک‌ها و انطباق آن‌ها با موازین شرعی صورت پذیرفت، استدلال این بود که ممکن است برای بانک سنتی (ربوی) برای حفظ اعتماد مشتریان، سلامت مالی کفایت کند اما درباره بانک اسلامی انطباق با اصول شرعی نیز به همان اندازه مهم و ضروری است، همان‌گونه که بانک اسلامی به علت بی‌احتیاطی مالی ممکن است با شکست روبه‌رو شود، عدم انطباق با شریعت نیز می‌تواند همین سرنوشت را برای بانک اسلامی به دنبال داشته باشد. بنابراین باید تضمین شود که تمام فعالیت‌های بانک اسلامی با اصول شرعی منطبق است (۲۰۰۱: Al-Jarhi & Iqbal). پیرو این بحث بود که در چند کشور اسلامی مانند: مالزی، اندونزی، بحرین، امارات، مصر و عربستان کمیته‌های شرعی تشکیل شد.

شکل و شیوه این نهادها نظارتی در کشورها، گوناگون است. برخی از کشورها فقط خود را به داشتن نظام یا قانونی که احکام آن مطابق با قانون شرعی اسلامی باشد، ملزم می‌دانند. برخی دیگر مانند بانک فیصل مصر در مرحله قانون و اجرا خود را به داشتن هیئت نظارت شرعی ملزم می‌کنند. همچنین کشورهایی مانند امارات به‌سبب قانون (ماده ۵۰ قانون مصوب سال ۱۹۸۵) وجود هیئت نظارت شرعی را لازم دانسته، این نهاد نظارتی را به یکی از وزارتخانه‌ها ملحق کرده است. در برخی از کشورها نیز این نهاد نظارتی را جدا از ارگان دولتی قلمداد کرده و دستوراتش را لازم‌الاجرا دانسته‌اند.

این نهاد شرعی که با تعبیرهای گوناگونی مانند: شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت و کمیته شریعت از آن یاد می‌شود از یک‌سو بر مسایلی مانند: انطباق قوانین و مقررات، دستورالعمل‌ها و قراردادهای موازین فقهی و انطباق عملکرد بانک‌ها و دیگر مؤسسه‌های اعتباری با احکام شرعی نظارت کرده، ریسک و مخاطره‌های

نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی

حجت‌الاسلام دکتر سیدعباس موسویان



عدم انطباق معامله‌ها با شریعت اسلامی را کاهش می‌دهند و از سوی دیگر در جایگاه نهاد رسمی تخصصی با بررسی ابزارهای جدید پولی بانکی و تأیید یا اصلاح این ابزارها به پویایی بانک کمک می‌کنند. بر این اساس است که امروزه تمام کشورهای اسلامی که در زمینه بانکداری اسلامی و مبنای اساسی آن گام بر می‌دارند، بر وجود چنین نهادی تأکید دارند.

پیشینه موضوع

به دنبال شکل‌گیری نگرانی‌ها درباره مشروعیت معامله‌های بانک‌های اسلامی (ریسک شریعت)، بیشتر کشورهای سازوکارهایی را در دو محور قانون‌گذاری و نظارت در حوزه فعالیت‌های مؤسسه‌های مالی به‌ویژه بانک‌ها تعریف و اجرا می‌کنند. یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مشترک میان اکثر کشورهای اسلامی وجود نهادی مشورتی - نظارتی شرعی برای اجرای اصل پیش‌گفته در حوزه فعالیت مؤسسه‌های مالی است. در حقیقت ناظر شرعی در جایگاه حلقه اتصال‌دهنده بین بانک‌ها و معامله‌های آن‌ها و بین مشتریان بانک و بین هیئت نظارتی است. هر چند نهاد پیش‌گفته در کشورهای گوناگون عنوان‌ها، تشکیلات، اختیارات و وظیفه‌های کم‌وبیش متفاوت دارد اما چنین نهادی هنوز به‌صورت رسمی در کشور ما شکل نگرفته و مقاله‌ای نیز درباره آن نگاشته نشده است. یگانه منبعی که درباره شورای شریعت آن هم به‌صورت پراکنده بحث کرده، کتاب المصارف الاسلامیه نوشته محمدالرفاعی است. با توجه به کارایی بسیار بالای نهاد پیش‌گفته در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه گستره استفاده از ابزارهای فقهی، بانک مرکزی ایران نیز به اندیشه تأسیس شورای فقهی بانکداری اسلامی هر چند به‌صورت غیررسمی، برآمده و مدتی است جلسه‌های شورای پیش‌گفته تشکیل و موضوع‌های فقهی مورد نیاز نظام بانکی بررسی و نظر شورا اعلام می‌شود اما لازم است جایگاه رسمی و قانونی شورا در نظام بانکی کشور تعیین و تثبیت شود. در ادامه به بررسی این موضوع در برخی از کشورهای اسلامی مانند: مالزی، بحرین، اندونزی، عربستان سعودی و ایران می‌پردازیم.

۱. مالزی

الف. تأسیس شورای ملی مشورتی شریعت (NSAC)

بانک مرکزی مالزی (Bank Negara Malasia) در تاریخ ۱۹۹۷ به منظور یکسان‌سازی و هماهنگی در برداشته‌ها و تفسیرهای شرعی بانک‌ها و مؤسسه‌های تکافل و تأیید قوانین اسلامی مرتبط

با بانکداری اسلامی، بیمه‌های تکافل و دیگر فعالیت‌هایی که مبتنی بر اصول و موازین اسلامی است، شورای ملی مشورتی شریعت را تأسیس کرد. شورای پیش‌گفته بالاترین مقام ناظر فقهی - شرعی درباره فعالیت بانک‌ها و مؤسسه‌های تکافل است. نظارت بر بانکداری اسلامی و بیمه‌های تکافل، ارایه مشاوره به بانک مرکزی مالزی درباره عملیات بانکداری اسلامی و تکافل در جایگاه یگانه نهاد معتبر در این حوزه، انجام هماهنگی‌های لازم درباره مسایل شرعی مربوط به بانکداری و تأمین اسلامی و تجزیه و تحلیل و ارزیابی بدهی‌های شرعی محصول‌ها، خدمات، طرح‌های جدید ارایه‌شده از سوی مؤسسه‌های بانکی و تکافل از هدف‌های اصلی این شورا است.

شورای مشورتی شریعت برای معرفی ابزارهای بازار سرمایه اسلامی دو رویکرد را اتخاذ کرده است: در رویکرد نخست، ابزارهای مالی متعارف که در بازار سرمایه مالزی رایج است، مطالعه شده اعتبار آن‌ها از دیدگاه فقه اسلامی بررسی می‌شود. در این بررسی‌ها بر ساختار، سازگار و کاربرد ابزارهای مالی تمرکز می‌شود تا مطابقت آن‌ها با اصول شرعی مشخص شود. در رویکرد دوم، بر اساس اصول مالی اسلامی ابزارهای مالی جدید طراحی می‌شود. یکی دیگر از مسئولیت‌های شورای مشورتی شریعت، انتشار فهرست اوراق بهادار مطابق با شرع است. این شورا به‌صورت مداوم فهرست اوراق بهادار مطابق شرع را به روزرسانی می‌کند و تاکنون مطابق شرعی ۶۴۲ نوع اوراق بهادار را تصویب کرده است.

قانون بانک مرکزی مالزی که در سال ۱۹۵۳ تصویب شده بود در سال ۲۰۰۳ اصلاح شد، آثار این اصلاحیه، افزایش نقش شورای مشورتی شریعت، ارتقای جایگاه شورا به مقام یگانه نهاد معتبر درباره مسایل شرعی بانکداری اسلامی، تکافل و تأمین مالی اسلامی، تعیین شورا در جایگاه یگانه نهاد معتبر برای اعلام‌نظر به محاکم قضایی و داوری مالزی درباره پرونده‌های مرتبط با مسایل شرعی بانکداری و تأمین مالی اسلامی و تکافل، حفظ استقلال شورا و منع مشارکت اعضای شورا در کمیته‌های شرعی مؤسسه‌های مالی بود.

ب. کمیته شریعت

در دسامبر سال ۲۰۰۴ بانک مرکزی مالزی دستورالعملی را درباره چگونگی فعالیت کمیته‌های شریعت صادر کرد. بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی مالزی، تمام نهاد‌های مالی اسلامی که تحت نظارت این بانک فعالیت می‌کنند باید رکنی به نام کمیته شریعت داشته باشند. کمیته شریعت نقش

تکمیل‌کننده شورای مشورتی شریعت بانک مرکزی مالزی را ایفا می‌کند. اهم وظیفه‌ها و مسئولیت‌های کمیته، ارایه مشاوره مستمر به هیئت مدیره مؤسسه درباره مسایل شرعی مرتبط با عملیات و فعالیت‌های مؤسسه و تأیید «دستورالعمل انطباق با شریعت» (Shariah Compliance Manual) مؤسسه‌های مالی است (همان: ۳).

۲. اندونزی

الف. هیئت مالی شریعت (DSN)

این هیئت که در سال ۱۹۹۹ به‌وسیله شورای عالمان اندونزی تشکیل شد، نهاد مستقلی است که به‌وسیله بانک مرکزی اندونزی به رسمیت شناخته شد. وظیفه هیئت، صدور احکام مرتبط با محصول‌ها و خدمات بانک‌های اسلامی است. بانک مرکزی اندونزی مقررات بانکداری اسلامی را بر اساس احکام و فتوای صادره از سوی هیئت مالی شریعت، صادر می‌کند. در سال ۲۰۰۵ بانک مرکزی اندونزی دستورالعملی را درباره استانداردهای قراردادهای صادر کرد که در جهت توسعه صنعت بانکداری اسلامی، هر از چند گاه و به‌صورت دوره‌ای مورد ارزیابی قرار می‌گیرد؛ به‌طور مثال، هیئت مالی شریعت درباره قراردادهای مضاربه، مضاربه در بیمه اسلامی، قراردادهای وکالت و اجاره در بیمه و نیز درباره قرارداد تبرع در بیمه، فتوایی را در سال ۲۰۰۶ صادر کرد و در همان سال مقررات مربوط به قراردادهای اجاره، استصناع و سلم مورد توجه قرار گرفت. هیئت مالی شریعت افزون بر همکاری با بانک مرکزی اندونزی، در فرایند گزینش اعضای هیئت ناظر شرعی نیز ایفای نقش می‌کند (همان: ۳).

ب. هیئت ناظر شرعی (SSB)

تمام بانک‌های اسلامی اندونزی به داشتن هیئت ناظر شرعی ملزم هستند. هیئت‌های پیش‌گفته در امر نظارت بر فعالیت نظام بانکی در جایگاه همکار بانک مرکزی اندونزی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کنند. بانک مرکزی اندونزی مجموعه معیارهایی تحت عنوان «مناسب و شایسته» (fit and proper) را برای تعیین اعضای جدید هیئت‌های پیش‌گفته تعیین کرده است. برخی از این معیارها عبارت هستند از «برخورداری از فهم اصول شریعت و دانش بانکداری و تأمین مالی اسلامی در کل»، ضمن آنکه هر یک از هیئت‌های ناظر شرعی ملزم هستند هر شش ماه یک‌بار گزارشی درباره یافته‌های نظارت شرعی خود به اعضای هیئت مدیره، شورای مالی شریعت و بانک مرکزی اندونزی ارایه کنند (همان).

این اساس از چند سال پیش به صورت رسمی و غیررسمی شاهد تشکیل تشکلی به اسم کمیته یا شورای تخصصی فقهی در بازار پول و سرمایه ایران هستیم.

شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

به دنبال احساس نیاز به نهاد تخصصی فقهی در عرصه بحث‌های بانکداری اسلامی، سال ۱۳۸۳ شورای فقهی به نام شورای مشاورتی بانکداری و مالیه اسلامی در پژوهش‌کنده پولی بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی تشکیل شد، این شورا که متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی بودند درباره مسایل و شبهه‌های شرعی مطرح در عرصه بانکداری بدون ربای ایران بحث و بررسی کرده پیشنهادهایی برای اصلاح ارایه می‌کردند و در مواردی نیز با بررسی ابزارهای جدید بانکی پیشنهادهایی به شورای پول و اعتبار می‌دادند. شورای فقهی پیش‌گفته بعد از حدود دو سال فعالیت به معاونت بانکی وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل شد و با ترکیب فنی‌تری به بررسی مشکل‌ها و مانع‌های اجرای صحیح بانکداری بدون ربا پرداخت و بعد از حدود سه سال فعالیت افزون بر بررسی مسایل جاری بانکداری ایران به طراحی الگویی به نام «الگوی جدید بانکداری بدون ربای ایران» پرداخت که در محافل گوناگون علمی داخلی و بین‌المللی ارایه شد و به باور صاحب‌نظران بانکی اجرای آن می‌تواند خیلی از مشکل‌ها و مانع‌های بانکداری را برطرف کند.

بعد از تغییرهای مدیریتی در بانک مرکزی، ابتدای سال ۱۳۸۸، شورایی در بانک مرکزی به نام شورای فقهی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شد، این شورا که متشکل از صاحب‌نظران فقهی، اقتصادی و بانکی است در عرصه نظارت بر انطباق معامله‌های نظام بانکی و ابزارهای جدید پیشنهادی با موازین شرعی فعالیت می‌کند. این شورا مصوبات فراوانی در زمینه‌های پیش‌گفته داشته است که برخی از آن‌ها عبارت هستند از:

۱. تدوین مقررات شرعی انتشار اوراق مشارکت ارزی
۲. تدوین مقررات شرعی انتشار گواهی سپرده ارزی
۳. تدوین مقررات شرعی استفاده از معامله‌های آتی ارز برای پوشش ریسک
۴. طراحی ابزارهای معامله‌های بین بانکی در بانکداری بدون ربا
۵. تدوین مقررات شرعی برای قرارداد ریپو در بانکداری بدون ربا
۶. تدوین مقررات شرعی کاربردهای گوناگون خرید دین.

۳. بحرین

بانک مرکزی بحرین، هیئت مالی شریعت دارد که فقط به موضوع انطباق خدمات بانک مرکزی با موازین شرعی می‌پردازد. ضمن آنکه درباره فعالیت اعضای هیئت مالی در یک یا چند مؤسسه مالی دیگر منعی وجود ندارد. به سبب الزام‌های مقرر از سوی بانک مرکزی بحرین، تمام بانک‌ها باید تمام استانداردهای حسابداری و نیز نظرات رسمی هیئت شریعت (Shariah Board) سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسه‌های مالی اسلامی (AAOIFI) را رعایت کرده و به تأسیس کمیته‌ای مستقل به نام کمیته شرعی نظارت (Shariah Supervision Committee) منطبق با این استانداردها اقدام کنند (همان: ۳ و ۴).

۴. عربستان سعودی

در این کشور مقام‌های ناظر بر نظام بانکی، امر بررسی انطباق فعالیت‌های مؤسسه‌های مالی را به خود مؤسسه‌ها واگذار کرده‌اند. هر مؤسسه‌ای درباره شناسایی و بررسی معیارهای شرعی فعالیت‌های خود و عملکرد هیئت شرعی آزادانه عمل می‌کند. با این نگرش که آزادی عمل مؤسسه‌ها در این حوزه باعث به حداکثر رسیدن اقدام‌های ابتکاری، بررسی دقیق‌تر فعالیت‌ها و توسعه محصول‌ها و خدمات منطبق با شرع خواهد شد. تمام بانک‌های محلی عربستان هیئت شرعی دارند که از برخی از اندیشه‌وران و عالمان بزرگ (فقیهان) در آن‌ها حضور دارند. انتخاب اعضای هیئت‌ها به وسیله اعضای هیئت‌مدیره مؤسسه‌ها انجام می‌شود و اکثریت اعضای هیئت‌ها تحصیلات دانشگاهی داشته و متخصص در فقه هستند. برخی از اعضا نیز تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های حقوق و اقتصاد دارند.

۵. ایران

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فقیهان شورای نگهبان قانون اساسی مسئولیت بررسی انطباق قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی با موازین شریعت را بر عهده دارند. از جمله این قوانین، قوانین بازار پول و سرمایه، به‌ویژه قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب شهریور ماه ۱۳۶۲ است که بعد از تصویب در مجلس با دقت تمام مورد توجه فقیهان شورای نگهبان قرار گرفت و از ابتدای سال ۱۳۶۳ به مرحله اجرا درآمد.

تجربه ۲۷ سال اجرای قانون پیش‌گفته نشان می‌دهد برای اطمینان از اجرای صحیح قانون، نظارت فقیهان شورای نگهبان در حد تأیید قانون مصوب مجلس کفایت نمی‌کند؛ بر

یکی از مهم‌ترین

سازوکارهای مشترک

میان اکثر کشورهای

اسلامی وجود نهادی

مشورتی - نظارتی شرعی

برای اجرای اصل بانکداری

اسلامی و حذف ربا در

حوزه فعالیت مؤسسه‌های

مالی است.

مبانی تشکیل شورای تخصصی فقهی نظام بانکی

عدم مشروعیت به کارگیری قرض با بهره در عملیات تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکی سبب شد تا تبصره‌ای در قانون بودجه سال ۱۳۶۰ کل کشور گنجانده شود. درج آن تبصره سرآغاز تحولی عمیق در بانکداری ایران شمرده می‌شود. در تبصره ۵۴ قانون بودجه آن سال آمده است:

«دولت موظف است از تاریخ تصویب این قانون برای حذف ربا از نظام بانکی و اصلاح نظام در اسرع وقت مطالعه‌های لازم را انجام داده و لایحه مربوطه را به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند».

پس از بررسی‌ها و جلسه‌های متعدد با صاحب‌نظران و تصویب هیئت وزیران، سرانجام در شهریور ۱۳۶۲ قانونی مشتمل بر بیست و هفت ماده و چهار تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی سپس به تصویب شورای نگهبان رسید و دی‌ماه همان سال نیز دستورالعمل اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا به تصویب هیئت وزیران رسید و از آغاز سال ۱۳۶۳ به مرحله اجرا درآمد.

گرچه در تهیه و تصویب قانون در مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان دقت‌های فراوانی انجام گرفت تا قانون بدون عیب و نقص و بدون هر نوع شبهه ربا تنظیم شود اما اجرای صحیح قانون نیازمند یک سری ملزوم‌هایی است که خارج از مسئولیت نهاد شورای نگهبان شمرده می‌شود، مهم‌ترین آن‌ها عبارت هستند از:

۱. تنظیم آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی صحیح

اجرای صحیح قوانین عملیات بانکداری بدون ربا نیازمند آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های متناسب است تا اولاً شبهه ربا وجود نداشته باشد؛ ثانیاً در تهیه دستورالعمل‌ها تمام جوانب آن به دقت مورد بررسی قرار گرفته و از ماهیت واقعی خود خارج نشود. روشن است شورای نگهبان ضامن اسلامی شدن قانون است و نقش نظارتی کلی بر قوانین و مصوبات مجلس شورای اسلامی دارد اما در مرحله اجرای قانون به نهادی نیازمندیم که افزون بر نظارت، بر تمام جوانب آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها تسلط کافی داشته و روش صحیح اجرای قانون را بیان دارد، طبیعی است که این مهم خارج از مسئولیت شورای نگهبان است.

۲. آموزش کارکنان نظام بانکی و مشتریان بانک‌ها

بانک‌ها و دریافت‌کنندگان تسهیلات و اعتبارات بانکی در نظام ربوی سازوکار ساده محاسبه بهره و

دادو ستد وام را بدون پیچیدگی و نیاز به آموزش انجام می‌دهند اما در بانکداری بدون ربا جمهوری اسلامی ایران، بخش بسیار بزرگی از عملیات بانکی بدون ربا به قراردادهایی مربوط است که بانک در آن‌ها نقش واسطه و وکیل را ایفا می‌کند و از نظر حقوقی بسیاری از وجوه به مالکیت بانک‌ها در نمی‌آید و عنوان بدهی بانک به اشخاص و مؤسسه‌ها را نمی‌یابد و در نتیجه، بانک در استفاده از وجوه آزادی کامل ندارد؛ بلکه باید آن را در گونه‌هایی از قراردادهای مبادله‌ای به کار گیرد یا در طرح‌های سودآور اقتصادی سرمایه‌گذاری کند یا به متقاضیان سرمایه براساس نوعی مشارکت در سود و زیان واگذارد و سود حاصل شده یا سهم سود کسب‌شده را پس از کسر حق و کالت بانک، به صاحبان سپرده‌ها بازگرداند و در واگذاری این وجوه به متقاضیان، باید مصلحت و نفع سپرده‌گذاران را مدنظر قرار دهد. در این نوع بانکداری، سپرده‌گذاران افزون بر اینکه میزان سودشان از پیش مشخص نیست، نیازمند اطلاعاتی درباره میزان کارایی بخش‌های گوناگون اقتصادی به منظور سرمایه‌گذاری در آن‌ها و اطلاعات مربوط به قرارداد بین سپرده‌گذار و بانک و آگاهی از اختیاراتی هستند که به بانک می‌دهند. نکته حائز اهمیت، توجه سپرده‌گذاران و دریافت‌کنندگان تسهیلات به بندهای مندرج در قراردادها و مفاهیم آن‌هاست زیرا انواع قراردادها متعدد است و گاهی معامله‌ای، تلفیقی از چند نوع قرارداد است که آشنایی با سازوکار بانکداری بدون ربا را پیچیده می‌سازد. استفاده‌کنندگان از تسهیلات مالی بانک‌ها باید با مفاهیم قراردادها و چارچوب استفاده از آن‌ها آشنا باشند زیرا اگر اعتبارات داده شده را در غیر مورد قرارداد مصرف کنند، مشکل‌های حقوقی و شرعی در پی خواهد داشت و گاهی به بطلان قرارداد و حرمت سود حاصل از معامله باطل می‌انجامد.

این پیچیدگی کار در بانکداری بدون ربا، ضرورت آموزش این نوع بانکداری را افزایش داده است زیرا بدون آموزش کافی، مشکل‌هایی مانند: ناآگاهی از چگونگی دریافت تسهیلات مناسب از بانک، صوری شدن قراردادهای بانکی، حرمت درآمدها و سودهای حاصل از آن، بی‌مبالایی مردم در رباخواری، نبود همکاری مؤمنان با بانک‌ها و پیدایی شبهه عملکرد ربوی و کشیده‌شدن بانک به سوی آن روی می‌دهد. بنابراین، آموزش بانکداری بدون ربا باید در دو سطح عمومی و تخصصی آرایه شود.

۳. توجه به اهتمام مسئولان و کارگزاران نظام بانکی به اجرای صحیح قانون

حضرت علی(ع) باور داشتند که باید از طرز عمل

کارگزاران آگاه بود و شیوه برخورد آنان را با مردم زیر نظر داشت و از میزان صحت و سقم گزارش‌های آنان مطلع بود. این مراقبت‌ها را بازرسان ویژه‌ای بر عهده داشتند که چشم حکومت شمرده می‌شدند. حضرت در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نگارند:

«پس بر کارهای آنان مراقبت کن و ناظری راستگو و وفادار باشه بر آنان بگمار که مراقبت نهانی تو در کارهایشان، وادارکننده آنها به رعایت امانت، و مهربانی بر رعیت باشد و خود نیز کارکنان را بپای! اگر یکی از آنان دست به خیانتی گشود و گزارش ناظران تو بر آن خیانت همداستان بود، به این گواه بسنده کن و کيفرش را با تنبیه به وی برسان و آنچه به دست آورده بستان، سپس وی را خوار بدار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی را در گردنش در بیاور».

اصل کلیدی نظارت که به روشنی از کلمات حضرت استنباط می‌شود، تمام شؤون اجتماعی و اقتصادی را دربر می‌گیرد و با توجه به اینکه بدون نظارت فراگیر بر عملکرد نهادها و نقش‌آفرینان اصلی اقتصادی، به‌ویژه بازار و بازاریان نمی‌توان قوانین و احکام قرآن و سنت را به اجرا درآورد، حضرت هرگز از نظارت بر این بخش غافل نبود. وی خود بر بازار کوفه نظارت داشت و نمایندگانی برای نظارت بر بازارهای دیگر منصوب می‌کرد. همچنین دستورالعملی برای استانداران فرستاد که در آن مقررات کنترل بازار و مجازات محتکران، ابلاغ شده بود.

بی‌تردید معامله‌های بانکی از حساس‌ترین بخش اقتصادی جامعه شمرده می‌شود که از بُعدهای گوناگون نیازمند نظارت است، بانک در جایگاه مؤسسه واسطه مالی، مسئولیت تجهیز و هدایت سرمایه نقدی جامعه را به عهده دارد. هر نوع اهمال در این کار باعث رکود سرمایه‌ها می‌شود؛ همان‌طور که هر نوع زیاده‌روی در اعطای تسهیلات، منابع سپرده‌گذاران را به خطر می‌اندازد. یکی از بُعدهای حساس معامله‌های بانکی، نزدیکی آنها به معامله‌های ربوی است به‌ویژه اینکه بانکداری ایران سابقه ربوی داشته، بسیاری از ساختارها و آیین‌نامه‌ها هنوز تغییر نکرده است؛ بر این اساس ضرورت دارد نهادی متخصص، مسئولیت نظارت و هدایت این امر مهم را به عهده گیرد.

۴. ضرورت وجود نهادهای نظارتی کافی برای نظارت و کنترل

ماهیت بانکداری اسلامی به‌گونه‌ای است که نیاز مبرم به واحد کنترل و نظارت را ایجاد می‌کند. وظیفه چنین نهادهایی اهمیت ویژه‌ای دارد که اطمینان حاصل شود تمام عملیات‌ها (اعم از

بسیار ماهیت برخی از این قراردادها را به کلی عوض کرده است.

یکی از موارد قابل توجه در این باره طراحی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی روان، شفاف، جامع و سازگار با آموزه‌های فقهی و قانونی است. روشن است که امر پیش‌گفته فقط از نهادی تخصصی و صاحب‌نظر امکان‌پذیر است.

۵. طراحی ابزارهای پولی مالی جدید

بی‌شک یکی از بخش‌های متحول اقتصادی، بخش پول و بانکداری است، بانک‌ها به تناسب نیازهای نوپیدای اقتصادی به طراحی انواع ابزارهای پولی و مالی اقدام می‌کنند. بانک‌های اسلامی نیز از این مسئله جدا نبوده، به‌طور مرتب با مسایل نو روبه‌رو هستند و باید با رعایت اصول شریعت ابزارهای نو را طراحی کنند؛ برای مثال بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، مسایل جدیدی مانند: اعطای اعتبار در حساب جاری، کارت‌های اعتباری، ابزارهای مدیریت نقدینگی، ابزارهای مدیریت ریسک، معامله‌های بین‌بانکی، صکوک بانکی، استفاده از مشتقات و ... ده‌ها مسئله دیگر که لازم است با نظارت نهاد شرعی آشنا به بحث‌های بانکی طراحی و به اجرا گذاشته شوند. نبود چنین نهادی باعث می‌شود یا ابزارهای طراحی شده قوام لازم فقهی نداشته و بانکداری با ریسک شریعت روبه‌رو شود یا به دلیل احتیاط بیش از حد طراحان، با کمبود ابزارهای جدید روبه‌رو شده، کارایی خود را از دست دهد.

آثار و نتیجه‌های تشکیل شورای فقهی در نظام بانکی ایران

با توجه به مطالب پیش‌گفته، تشکیل شورای فقهی در نظام بانکی ایران آثار و نتیجه‌های مهمی به شرح زیر دارد:

۱. ارتقای سطح اعتماد عمومی

از آنجا که در بانک‌های اسلامی از یک طرف، دوری از حقیقت ربا در عملیات بانکی اصل اول و از ضروریات بانکداری اسلامی شمرده می‌شود و از طرف دیگر شناخت و آگاهی کامل از برخی مصداق‌های ربا کار کارشناسی دقیق و فقهی را می‌طلبد، باید هیئتی عهده‌دار این مسئولیت شود که از ماهیت بحث‌های فقهی و بانکی به خوبی آگاه و بر مسایل مربوط به آن تسلط کامل داشته باشد. بنابراین برای تأمین این هدف نیازمند نهادی رسمی نظارتی هستیم که افزون بر اطلاعات لازم و کافی از قانون عملیات بانکی بدون ربا و چگونگی اجرای آن، با بحث‌های فقهی مرتبط با عقده‌های بانکی

قراردادها، فرم‌ها، درخواست‌ها، میزان تأمین مالی و ... به‌صورت صحیح انجام شده است. توجه به اهمیت ویژه نهادهای نظارتی ایجاد می‌کند که پرسنل آن از متخصص‌ترین افراد انتخاب شوند. در سطح علمی، بسیاری از متخصصان مذهبی هستند که در علوم بانکداری فاقد دانش هستند و همچنین افرادی که در علوم اقتصادی به‌ویژه بانکداری متخصص هستند درباره شریعت فاقد سطح علمی لازم هستند و اگر هم افرادی باشند که در هر دو حوزه کار کرده باشند خیلی کم هستند. به نظر می‌رسد که بهترین و مناسب‌ترین ترکیب برای نهادهای ناظر شرعی و فقهی در حوزه نظام بانکی، ترکیبی از فقیهان آشنا به بحث‌های اقتصادی و بانکی، متخصصان در فقه و معامله‌ها و کارشناسان حقوقی، کارشناسان اقتصادی و بانکی است. بنابراین به‌طور مطلوب اعضای شورای فقهی باید افزون بر مسایل فقهی و شریعت، در مسایل حسابداری، حقوقی و اقتصادی نیز صاحب‌نظر باشند و به‌طور مشخص مأموریت‌های زیر را به عهده گیرند:

نظارت بر تطابق آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها

با گذشت بیش از ۲۷ سال از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، این تصور نادرست وجود دارد که هنوز کاستی‌هایی در بسیاری از زمینه‌ها وجود دارد و هنوز بانکداری کشور از حقیقت بانکداری بدون ربا فاصله دارد. در طول سال‌های گذشته در حالی که کوشیده شد پایبندی نظام بانکی به ماده‌های قانون عملیات بانکی بدون ربا حفظ شود، در موارد گوناگونی شبهه‌ها و مسایلی پیش آمد که از لوازم بانکداری سنتی بود و در برخی موارد بقا و کارایی عملکرد نظام بانکی به آن وابسته بود و از طرفی با مبانی شرعی سازگاری نداشت. از این‌رو صاحب‌منصبان وضع قانون را مجبور می‌کرد به کوششی برای رفع تناقضات پیش آمده یا توجه و تفسیر موردی مبادرت ورزند.

نکته قابل توجه در این باره این بود که تمام توجه قانون بانکی برای اصلاح ساختار نظام بانکی و تغییر آن از شکل ربوی به نظام اسلامی و نبود ربا در فعالیت‌های بانکی معطوف شد؛ به‌گونه‌ای که تمام تغییرها و دگرگونی‌ها در این جهت سازماندهی شد. شکی نیست که عمده‌ترین معضل نظام بانکی سنتی قرض‌های ربوی آن بود که این قرض‌ها از طرف بانک داده و گرفته می‌شد. بنابراین در تغییر چنین نظامی حذف یا اصلاح قسمتی و بی‌توجهی به قسمت‌های دیگر می‌تواند سبب اختلال‌هایی در نظام جایگزین و کارایی آن شود. این تغییرها در نظام بانکی ما به‌گونه‌ای بود که شرط‌ها و قیدهای

با توجه به اینکه دین اسلام دین جهان‌شمول است، انتظار می‌رود در عرصه مسایل اقتصادی نیز همراه با پیشرفت علم و فناوری و پدیدار شدن نیازها و روابط اقتصادی جدید، نقش هدایتی خود را ایفا کند و با آرایه راهکارهای مناسب و رابطه‌های حقوقی مجاز، زمینه‌ساز پیشرفت اقتصادی مسلمانان باشد.



به صورت تخصصی آشنایی کامل داشته باشند. تأکید بر رسمی بودن و برخورداری از جایگاه قانونی نهاد شورای فقهی به آن دلیل است که در صورت نداشتن چنین ویژگی‌ای امکانات لازم برای نظارت به صورتی قانونمند فراهم نمی‌شود و نوعاً بانک‌ها با توجه به مشغله‌ها و دل‌مشغولی‌های فراوان و متنوع خود، تمایلی برای همکاری نخواهند داشت؛ در نتیجه چنین فرایندی عدم سودمندی و کارایی چنین نهادی را در بر خواهد داشت.

با توجه به اینکه در بانکداری اسلامی تجهیز و تخصیص منابع بر اساس عقود شرعی است، باید سازوکار به‌گونه‌ای باشد که شرایط عمومی و اختصاصی اجرای صحیح عقود فراهم باشد تا معامله‌هایی که در نظام بانکی کشور صورت می‌گیرد مطابق با احکام شرعی باشد. در صورتی که شک و شبه‌های در اسلامی بودن عقود پیش‌گفته وجود داشته باشد بی‌اعتمادی به مشروعیت نظام بانکی پدید آمده، به‌طور طبیعی انتظار می‌رود متدینین درباره عملکرد این نظام بی‌اعتماد شوند و ارتباط‌های مالی خود را به حداقل برسانند. بی‌تردید صرف تغییر اسامی در روش‌های تجهیز و تخصیص منابع کافی نیست، لازم است از حقیقت ربا دوری گزید و در غیر این صورت مفاسدی که پیامد ربا و معامله‌های ربوی است، بر نظام بانکی نیز بار خواهد شد. وجود شورای فقهی و نظارت بر فرایندها و عملکرد بانک‌ها به پدید آمدن نوعی اعتماد از طرف مشتریان - به‌ویژه متدینین - درباره شرعی بودن عملکرد بانک‌ها خواهد انجامید و این خود می‌تواند روند تجهیز و تخصیص منابع را بهبود بخشد.

۲. کاهش ریسک شریعت و نهادینه‌شدن ابزارهای مالی

نبود اطمینان فقهی سبب افزایش ریسک شریعت در بازارهای پولی و مالی می‌شود. تجربه بازارهای مالی به طور کامل گویاست که از میان ده‌ها ابزار مالی که با گذشت زمان ابداع شده و در بازارهای مالی خرید و فروش می‌شوند، فقط آن گروه تثبیت می‌شوند که مشروعیت لازم را داشته باشند. بر این اساس ناظران فقهی جوانب گوناگون ابزار را به دقت مطالعه می‌کنند و سرانجام آن را به‌گونه‌ای پیشنهاد می‌کنند که برای مشتریان متدین اطمینان پدید آید و به این ترتیب ریسک شریعت درباره آن ابزار و کل بازار پولی و مالی کاهش یافته، باعث نهادینه‌شدن ابزار و بازار می‌شود.

۳. کارایی و کارآمدی بالاتر بانک‌ها نبود نظارت فقهی سبب کاهش کارایی و

جوانب گوناگون ابزار را به دقت مطالعه می‌کنند و سرانجام آن را به‌گونه‌ای پیشنهاد می‌کنند که در آغاز کار برای مشتریان انتظار بهتری شکل گیرد و در تجربه نیز بتواند نسبت به ابزارهای مشابه یک گام جلوتر باشد.

ناکارآمدی در بازارهای پولی و مالی می‌شود. منظور از کارایی در بازار مالی برتری نسبی برخی از ابزارهای مالی نسبت به ابزارهای مالی مشابه در تحقق هدف‌ها و انگیزه‌های مشتریان و تأمین سلیقه‌های آنان است. بر همین اساس ناظران فقهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

بودن معامله‌های بانکی کوشیدند سازوکار تجهیز و تخصیص منابع بانکی را چنان تنظیم کنند که تمام انگیزه‌های سپرده‌گذاران و انواع تقاضاهای تسهیلات بانکی را پاسخگو باشند. از طرفی محدودیت‌های ذاتی بسیاری از عقود شرعی باید مورد ملاحظه قرار گیرد؛ به طور مثال گرچه می‌توان از عقد قرض برای تأمین منابع مالی و تخصیص منابع استفاده کرد اما نمی‌توان تمام سپرده‌های بانکی را تحت عنوان قرض قرار داد زیرا در این صورت امکان پرداخت هیچ‌گونه سودی به سپرده‌گذاران مدت‌دار ممکن نخواهد بود و نیز عقد قرض مانند هر عقدی جایگاه طبیعی و خاص خود را دارد. بر این اساس انجام کار کارشناسی دقیق بر روی میزان انطباق هر یک از عقود با انواع تقاضای تسهیلات، حائز اهمیت است زیرا در این صورت کارگزار بانک بدون معطلی عقد مناسب هر تقاضا را پیدا کرده، با مشتریان وارد مذاکره می‌شود اما در عین حال در کنار کارشناسی لازم است متخصصان فقهی در چارچوب نهاد رسمی نیز در شرعی بودن کاربرد این عقود و تطبیق آن بر موارد تقاضا و همچنین در طراحی عقود و ابزارهای مالی جدید و متناسب ساختن عقود با فعالیت‌ها و تقاضای مشتریان، دیدگاه فقهی و راهکارهای مناسب را ارائه کند.

با وجود نهاد فقهی، بخش کارشناسی بانک با اطمینان و بدون دغدغه از اینکه در مرحله طراحی و اجرا با محدودیت‌های فقهی روبه‌رو نخواهد شد به تطبیق عقود و نیازها و طراحی ابزارهای جدید اقدام خواهند کرد؛ به‌طور نمونه یکی از ایده‌های مطرح‌شده کارشناسان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ایده انتشار اوراق بانک مرکزی بر مبنای عقد مشارکت بود، هرچند این ایده با مشکلات فقهی همراه بود اما بانک مرکزی سودان به سبب ارتباط نزدیک و قاعده‌مندی که با عالمان و فقیهان داشت، توانست اشکال‌های این ایده اولیه را مرتفع کند و به طرح نوینی در قالب مشارکت در منفعت با سررسید نامحدود دست یابد. در سودان هیئت عالی مستشاران فقهی بانک مرکزی افزون بر انطباق عملیات بانکی بر فقه اسلامی ملزم هستند راهکارهای جدید شرعی را نیز برای عملیات بانکی ارائه کنند. چنانکه طرح مشارکت در منفعت و ویژگی‌های اقتصادی اوراق بعد از قریب یک سال و نیم کوشش مشترک این هیئت و بانک مرکزی سودان نهایی شد.

۵. تدوین صحیح قوانین و دستورالعمل‌ها بر اساس فقه اسلامی

گرچه قانون حذف ربا از نظام بانکی و اصلاح نظام برای مدت پنج سال تصویب شد و قرار بود بعد از

آموزه‌های دین اسلام نیز به موضوع کارایی و برنامه‌ریزی بر پایه دانش و تدبیر توجه کامل دارد. برای مثال امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید:

«با عقل و تدبیر از هر دو سرای می‌توان بهره برد؛ هر که عقل و تدبیر ندارد از هر دو سرای بی بهره است.»

از امام رضا (ع) نقل شده است:

«مردی نزد امام صادق (ع) آمد و به عنوان نصیحت گفت: ای ابوعبدالله چرا سرمایه‌هایت را بخش کردی، اگر آن‌ها را یک‌جا سرمایه‌گذاری می‌کردی کم‌هزینه‌تر و سودآورتر بود؟ امام صادق (ع) در پاسخ فرمود: سرمایه‌ها را متفرق کردم تا اگر بر یکی آسیبی رسد دیگری از آسیب محفوظ بماند و به این ترتیب مجموعه سرمایه حفظ می‌شود.»

در نظام بانکی به عنوان زیرنظام مکتب اقتصادی، لازم است اصل کارایی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین نظام بانکی افزون بر اینکه برای آن دسته از سپرده‌گذاران بانک که به دنبال سود هستند، سود تأمین کند، باید از نظر کمیت و کیفیت سوددهی و چگونگی تخصیص منابع نیز کارا باشد. تحلیلگران اقتصادی برای کارایی در نظام بانکی سه معیار «میزان سوددهی، میزان کامیابی در جذب سپرده‌ها و میزان کامیابی در تخصیص بهینه منابع» را ذکر کردند (موسویان، ۱۳۸۶) ب: ۱۹۷. آمارها (گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های گوناگون بانک مرکزی ایران) نشان می‌دهد که بانکداری بدون ربا تا حدودی در زمینه‌های جذب و تخصیص کامیاب بوده اما با سوددهی مناسب فاصله زیادی دارد (همان: ۲۰۹). با پدید ساختن فضای اطمینان برای مشتریان بانک‌ها و طراحی ابزارهای مالی مناسب اسلامی می‌توان به کارایی در هر سه زمینه و سوددهی بالاتر دست یافت و این خود نیازمند تخصصانی است که به کمیودها و طراحی ابزارها و شیوه به‌کارگیری آن‌ها احاطه کامل داشته باشند. شورای فقهی با شناخت از مسایل پولی بانکی و با آشنایی و تسلط بر بحث‌های فقهی و احکام شرع مقدس می‌تواند در این حوزه بسیار نقش آفرین باشد.

۴. روزآمدی نظام بانکی از راه طراحی ابزارهای جدید مالی

با توجه به پیشرفت‌های گسترده در صنعت بانکداری لازم است در بانکداری اسلامی نیز ابزارهای جدید مالی طراحی و عملیاتی شود. با حذف ربا از عملیات بانکی، طراحان بانکداری اسلامی چاره‌ای جز استفاده از عقود فقهی جایگزین قرض با بهره نداشتند و در این باره دو نکته لازم بود مورد توجه قرار گیرد. از طرفی به منظور تأمین اصل فراگیر

وجود شورای فقهی و نظارت بر فرایندها و عملکرد بانک‌ها به پدید آمدن نوعی اعتماد از طرف مشتریان به‌ویژه متدینین درباره شرعی بودن عملکرد بانک‌ها خواهد انجامید و این خود می‌تواند روند تجهیز و تخصیص منابع را بهبود بخشد

آن مورد بازنگری قرار گیرد اما متأسفانه در متن قانون به این نکته اشاره نشد و این خود سبب شد پس از حدود ۲۷ سال از تصویب این قانون، هنوز بازنگری صورت نگیرد، چرا که هیچ نهاد یا مرجعی خود را از لحاظ قانونی موظف به بازنگری نمی‌داند. اگر نهادهای خودش را درباره این قانون و عملیات آن مسئول می‌دانست به‌طور قطع روند بازنگری به تأخیر نمی‌افتاد و شاهد رشد و شکوفایی چشمگیری در صنعت بانکداری در سطح داخلی و بین‌المللی می‌بودیم.

۶. پدید ساختن هماهنگی و یکپارچگی فقهی در حوزه فعالیت‌های مالی و بانکی

اختلاف نظر و تعدد فتواهای فقیهان که منبعث از مبانی فقهی و اجتهادی آنان است از گذشته تاریخ همیشه وجود داشته و خواهد داشت و این گرچه نشان از پویایی فقه در تمام اعصار است اما نظام بانکی را مانند هر نظام اجرایی دیگر نمیتوان با فتواهای متفاوت و در برخی موارد ناهمگون و متضاد تدوین کرد و در صدد اجرایی کردن آن برآمد؛ به‌طور نمونه درباره ماهیت فقهی عقد استصناع در میان فقیهان امامیه و عالمان مذاهب اربعه اهل سنت اختلاف گسترده‌ای وجود دارد اما با این همه می‌توان عقد و اوراق استصناع را در نظام بانکی به‌گونه‌ای مورد استفاده قرار داد که قابلیت تصحیح مطابق با فتوای همه یا اکثریت مطلق عالمان اسلام را داشته باشد. همین‌طور درباره خریدوفروش دین بین عالمان متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت تفاوت فتوا وجود دارد؛ همین‌طور در فقه امامیه نظر بیشتر فقیهان، به‌ویژه امام خمینی (ره)، مبنی بر حرمت جریمه دیرکرد است، در حالی که برخی دیگر به‌ویژه شورای نگهبان نظریه‌هایی درباره جواز جریمه تأخیر دارند. اگر بانک‌ها بخواهند فعالیت‌ها را بر اساس شریعت اسلام انجام دهند، نیازمند فقیهانی به‌طور کامل آشنا با بحث‌های فقهی بانکی خواهیم بود که با اشراف به مبانی و دقت نظرهای فقهی این فتواها، عقده‌ها و ابزارهای مناسبی که مطابق دیدگاه همه یا اکثریت فقیهان است را طراحی و مقدمات اجرایی شدن آن را فراهم سازند. جالب است بدانیم گاهی برای اینکه نظر همه یا اکثریت فقیهان تأمین شود میتوان قیدهایی یا شرط‌هایی را اضافه کرد و روشن است که این کار فقط از عهده نخبگان فقهی برمی‌آید.

۷. مشاوره‌های موردی

یکی از مسائلی که در بانکداری اسلامی امروزه با آن روبه‌رو هستیم، تشکیل صندوق مشترک بین‌المللی یا مشترک بین بانک‌های اسلامی در دو یا چند

کشور و تأمین خطوط اعتباری از بانکی در کشور اسلامی به کشور اسلامی دیگر است. حال ممکن است بانک‌های اسلامی در عقد قراردادهای خود در سطح بین‌المللی نتوانند مطابق قانون عملیات بانکداری داخلی موجود خود، قراردادی که مورد رضایت طرف مقابل باشد را منعقد سازند زیرا مذاهب گوناگونی بر این دو کشور حاکم است و متناسب با این مذاهب، قوانین مدنی متفاوتی نیز تدوین و اجرایی شده است. در این صورت برای انجام قراردادهای در سطح بین‌المللی و بین کشورهای اسلامی دچار مشکل می‌شویم.

برای رفع مشکل باید عقده‌ها با ویژگیها و شرایط خاصی مورد استفاده قرار گیرد تا با قوانین مالی و مذاهب فقهی دو کشور مخالفتی نداشته باشد. روشن است که طراحی چنین قراردادهایی نیازمند شورایی فقهی آشنا به دیدگاه مذاهب فقهی اسلامی و مذاهب رایج در کشورهای مسلمان است؛ به‌طور نمونه مقرر بود قراردادی بین یکی از بانک‌های ایران با کشور سوئدان انجام گیرد اما در ضمن قرارداد با این مشکل که جریمه تأخیر از لحاظ قانون عملیات بانکداری بدون ربا ایران موجه است اما در بانکداری اسلامی سوئدان، هیچ جایگاهی ندارد و ممنوع است، روبه‌رو شدند. بنابراین برای اصلاح قرارداد با مشورتی که با یکی از صاحب‌نظران آشنا به مسایل فقهی - بانکی انجام شد، این مشکل به راحتی با طرح یک ایده حل شد؛ به این گونه که قرارداد پیش‌گفته با نرخ بالاتری که شامل سود قرارداد به اضافه نرخ جریمه تأخیر است، تنظیم و مورد توافق قرار گیرد و در صورتی که بازپرداخت دیرتر در تاریخ مشخص پرداخت شود به اندازه نرخ جریمه تأخیر تخفیف داده شود. با این پیشنهاد طرف سوئدانی موافقت کرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه دین اسلام دین جهان‌شمول است، انتظار می‌رود در عرصه مسایل اقتصادی نیز همراه با پیشرفت علم و فناوری و پدیدار شدن نیازها و روابط اقتصادی جدید، نقش هدایتی خود را ایفا کند و با ارائه راهکارهای مناسب و رابطه‌های حقوقی مجاز، زمینه‌ساز پیشرفت اقتصادی مسلمانان باشد.

اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا به رعایت ضوابط فقهی در تنظیم آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی، آموزش کارکنان نظام بانکی و مشتریان بانک‌ها، اهتمام مسئولان و کارگزاران نظام بانکی به اجرای صحیح قانون همچنین وجود نهادهای نظارتی کافی منوط است. با توجه به اینکه انطباق فعالیت‌های بانکی با موازین شرعی، مهم‌ترین ویژگی بانکداری اسلامی

است، وجود سازوکارهای مؤثر در تحقق این امر مهم، به‌ویژه در دو بُعد نظارت بر عملکردها و طراحی عقده‌ها و ابزارهای جدید، بسیار حایز اهمیت است.

نظام بانکی اکثر کشورهای اسلامی از خدمات یک نهاد ناظر شرعی در سطح ملی - دولتی یا درون مؤسسه‌ای یا هر دو به‌طور هم‌زمان و با رعایت سلسله مراتب، تحت عنوان‌های هیئت شریعت، شورای شریعت (فقهی) و کمیته شریعت برای تحقق این اصل بنیادین بهره می‌برند. به نظر می‌رسد فقدان چنین نهادی در نظام بانکی کشور اسلامی مانند ایران زمینه بروز شبهه‌های شرعی درباره فعالیت‌های پولی و مالی آن کشور در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌سازد. از این‌رو، تأسیس و نهادینه‌سازی چنین تشکیلاتی در نظام بانکی کشور افزون بر مزیت‌های دیگر، وجهه و جایگاه نظام بانکی را در سطح بین‌الملل نیز ارتقا می‌بخشد.

کارشناسان بر این امر اتفاق نظر دارند که با توجه به اهمیت جایگاه و اثر نظرهای ناظران شرعی اعم از هیئت‌ها و کمیته‌های فقهی - شرعی در نظام بانکی اسلامی، اعضای این گونه نهادها باید افزون بر فهم و دانش فقهی، دانش و فهم کلی درباره اقتصاد، بانکداری و تأمین مالی نیز داشته باشند. به نظر می‌رسد که بهترین و مناسب‌ترین ترکیب برای نهادهای ناظر شرعی - فقهی در حوزه نظام بانکی ترکیبی از فقیهان آشنا به بحث‌های اقتصادی و بانکی، کارشناسان حقوقی، کارشناسان اقتصادی و بانکی است.

لازم است مقدمات تأسیس نهاد ناظر فقهی - شرعی تحت عنوان «شورای فقهی بانکداری اسلامی» که به‌ویژه در دو قالب قانون‌گذاری و نظارت در حوزه فعالیت‌های مؤسسه‌های مالی، مشارکت مستقیم و مستمر داشته باشد، فراهم شود اما تکلیف اینکه نهاد پیش‌گفته فقط در سامانه تشکیلاتی بانک مرکزی قرار گیرد یا افزون بر آن کمیته‌هایی در تمام بانک‌ها و مؤسسه‌های پولی و بانکی داشته باشند، باید به‌وسیله قوانین مربوطه تعیین شود.

در پایان می‌توان بیان داشت نهاد تخصصی شورای فقهی بانکداری اسلامی می‌تواند با پدید ساختن فضای اطمینان و پوشش ریسک شریعت برای مشتریان بانک‌های اسلامی، تدوین صحیح قوانین و دستورالعمل‌ها بر اساس فقه اسلامی و طراحی و نظارت بر ابزارهای جدید و ارائه راهکارهای متناسب با نیاز افراد متدین، مشروعیت و کارایی بانک‌ها را در هر سه زمینه جذب سپرده‌ها، تخصیص منابع و ارائه خدمات بانکی افزایش دهد. ●